

هو الله

شیکاگو

جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان از وقتی که در سبیل الهی بکمال توجه و تضرع و خلوص آرزوی خدمت شجره مبارکه کبریا نمودید و بجهت نشر نفعات الله بآندیار رحلت فرمودید تا بحال سه مکتوب مفصل مرقوم و ارسال گردید و این مکتوب چهارمست در مکتوب اخیر اکثر مسائل آنجنابرا جواب مرقوم نموده بودیم و اگر چنانچه فتوری واقع از کثرت مشاغل و غوائل و مصائب و بلا یاست علی الخصوص هجوم اهل جفا اگر بدانید که بچه درجه در تعرضند و چه قدر فساد و فتنه مینمایند البته معذور میدانید کتاب ایقان را جناب علیقلیخان ترجمه نمود و بهمراهی ایشان ارسال گشت که در آن ارض طبع شده نشر گردد اشغال این عبد بدرجهئی که وصف ندارد دقیقهئی آرام ندارم و آئی راحت نجویم فرصت تنفس نیست و نهایت تحیر است که باینقسم جمیع امور اداره میگردد و تمشیت داده میشود هویت قلب شب و روز در نهایت تضرع و ابتهال است و طلب تأیید و توفیق بجهت احبباً مینماید

ای ثابت بر پیمان آنچه مقتضای وفا در مقابل عنایات جمال کبریا بود الحمد لله مجری نمودید و مافوق طاقت کوشیدید و راحت و آسایش و فراغت و نعمت و تجارت و خانمانرا بکلی ترک نمودید و بان اقلیم شتافتید در محافل نعره زدید و در مجالس اقامه حجّت و برهان کردید تأثیر این نفس پاک صدهزار سال باقی ماند و مشام ثابتانرا معطر نماید در خصوص آنچه جفاکاران نسبت باین عبد اشتهاز داده اند که این عبد را ادعائی و یا خود دعوی مقامی در یکی از مکاتیب مرقوم ان العبودیة المحضة و الرقیة البحتة فی عتبة المقدسة هی تاجی الوهاج و اکلیلی الجلیل هذه منقبتی العظمی و سدرتی المنتهی و مسجدی الأفصی و جنتی المأوی این صریح بیان و اثر خامه و بنان این عبد است لا ابتغی شأناً غیر هذا الشأن البدیع و لا مقاماً غیر مقام التبتل و التضرع العظیم از بدایت صعود تا الی الآن فریاد روحی لأحبائه الفداء از لسان و بنان این عبد در جمیع آفاق منتشر و آوازه عبودیت این مظلوم شرق و غرب را احاطه نموده و هادم بنیان باثر خامه و مهر خویش از کمال نادانی هر ادعائی نموده و موجود که میگوید قد ظهر شمس الله الأكبر و کلّ شمس عنده من کلّ صغیر اصغر با وجود این نعره بلند نموده که عبدالبهاء مصداق من ادعی قبل الألف است لهذا مورد فسوف یبعث الله علیه من لا یرحمه باید بشود باری الحمد لله نفوس مقدسه ابرار که کاشف اسرارند در نزدشان حقیقت حال آشکار این عبد تا بحال خود را غصن اعظم نامیده بلکه عبدالبهاء خوانده نهایت شاید در موردی نادر بلکه اندر ابن البهاء از قلم جاری گشته که این نیز نظر بحکمتهای بالغه بود والا من خود را عبد عبید او میشناسم و اطوار و گفتار و کردار این عبد شاهد این مقال

باری آنچه خواسته بودید در جواب آنشخص در نفس ورقه مرقوم گردید و ارسال گشت این اذکار بهانه اشراست والا جمیع میدانند که این عبد را نفسی و هوسی جز عبودیت آستان مقدس نبوده و نیست بقوه عبودیت خدمت امر الله نمودم تا بنور عبودیت آفاق روشن شد و برائحه طیبیه گلشن عبودیت مشام عالم معطر گردید اینست برهان باهر و سیف شاهر و اکلیل ساطع این عبد من شاء فلیصدق و من شاء فلینکر انی بفضل ربی ثابت علی هذا الصراط المستقیم و بتأیید غنی عن العالمین بگو ای بیچارگان عبودیت عبدالبهاء آفاقرا منجذب نموده و صیت رقیبتش جهانگیر گشته و محویت و فنایش مثل آفتاب

مشهور اقطار شده قصد آن دارند این گلپاره‌ها از حسد پوشند این فقر و فنا هیئات هیئات عنقریب قرین ناله و حنین گردند و
در خسران مبین افتند ویل للمکذبین ثم ویل للمکذبین و علیک التّحیّة و التّناء
تلغرافاً رجوع شما را اجازت دادیم ولی اگر ممکن اول بارض مقدّس وارد بعد به مصر عازم شوید بهتر است ع ع

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۴ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر